

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ و نه ... تنها برای خواندنست و ...



۷۱

نسیم جنوب

<http://www.nasimjonoub.com/articles/article.asp?id=542>



سید قاسم

یا حسینی

اولین تگ نگاری درباره‌ی جنوب ایران در عصر قاجار

در زمان محمدشاه قاجار از طرف او چندین نفر برای اطلاع از
اوضاع جنوب ایران و بنادر و جزایر خلیج فارس راهی این دیار
شدند..

در زمان محمدشاه قاجار از طرف او چندین نفر برای اطلاع از اوضاع جنوب ایران و بنادر و جزایر خلیج فارس راهی این دیار شدند که نخستین آن‌ها یک ادیب و فاضل اهل کازرون فارس به نام محمدابراهیم کازرونی بود. به تصریح خود کازرونی، محمدشاه قاجار از فرمان فرمای فارس می‌خواهد تا فردی را برای آشنایی با اوضاع جنوب روانه‌ی آن حدود کند و حکم ران فارس محمد ابراهیم کازرونی را مأمور این کار کرد: «اطراف کشور و اکناف ملک را خسروان (..) گماشته که آن چه از حوادث روزگار و گردش لیل و نهار از پرده‌ی کمون جلوه‌ی بروز می‌نماید (..) همه را در دفاتر نگارند و سر مویی از اخبار و آثار و وقایع نگاری مهمل نگذارند. به جهت اطلاع اولیای دولت جاوید عدت باهره و امنای شوکت همواره پاینده‌ی قاهره انقاد دربار

گیتی خسروی دارند و حکم محکم و جهان مطاع نیز به سرافرازی و افتخار بلند اختر داور فارس مدارفرمان فرمای معدلت گستر والا اقتدار از مصدر شوکت و جلال شرف صدور پذیرفته، مشعر بر این که شخص کارآگاه را مأمور به سیاحت ساحت بنادر و جزایر بحرالعجم و خلیج دریای فارس فرمایند که عرض و طول و فراسخ و جبال و جنوب و شمال و صبا و دبور و خراب و معمور و کثرت و قلت و پریشانی و جمعیت و شرب و ملل و عامل و عمل و مبذر و بساتین و مذهب و آیین و میاه و آباد و فرضات و بازار و مزرعه و انهار، از کم و بسیار، بنادر و جزایر دریا بار اطلاع کل حاصل نموده در کتابچه‌ای مفصل و مشروح نگاشته به درگاه جهان‌بان امیدگاه منظور نظر انوار اولیای دولت جاوید عدت قاهره و امنای شوکت همواره پاینده‌ی باهر سازد.

امثالاً لفرمان واجب الاعام جهان‌بان با عقل پیرو بخت جوان فرمان‌فرما، این هیچ‌کس هیچ مدام محمدابراهیم الشهیر به کازرونی المتخلص به نادری را منظور نظر (...) داشت. (۱)

محمدابراهیم کازرونی سفرش را در ناحیه‌ی جنوب ایران از بندر محمره (خرمشهر) آغاز کرد و از راه بندر مشهور (ماهشهر)، هندیان، دیلم، گناوه، ریگ به بوشهر رفت و در خطه ساحلی از سواحل و بنادر تنگستان و دشتی و طاهری و عسلویه گذشت و وارد بحرین و دیگر جزایر خلیج فارس (کرانه‌های شمالی) شد و خود را به بندرعباس رساند و سفرش را تا مینا و (میناب) ادامه داد و در آن جا به پایان رساند. او پس از پیمایش کامل خط ساحلی، گزارشی از اوضاع اقتصادی، کشاورزی، جغرافیایی، مذهبی و سیاسی این نواحی تهیه و تنظیم و تقدیم محمدشاه قاجار کرد.

این گزارش ده‌ها سال به صورت خطی باقی ماند تا سرانجام نسخه‌ای از آن توسط استاد کتاب‌شناس و نسخه‌شناس ایرج افشار شناسایی شد. استاد افشار این رساله را که حاوی اطلاعات بکر و ارزنده‌ی درباره‌ی جنوب ایران در عصر محمدشاه قاجار بود به دکتر منوچهر ستوده معرفی کرد و وی را تشویق به تصحیح و انتشار آن نمود. دکتر ستوده در این باره می‌نویسد: «عکس نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس را ابتدا آقای ایرج افشار به بنده مرحمت کردند تا به مقابله و چاپ آن اقدام شود. نگارنده پس از تهیه‌ی عکس‌های نسخه‌های دیگر به مقابله پرداخت و نسخه‌ای منقح تهیه کرد. نسخه‌ی حاضر به چاپ را به دوست ارجمند آقای احمد اقتداری داد. ایشان با تسلطی که بر صفحات خلیج فارس دارند، از زیر نظر گذراندند و نکاتی را که غلطخوانی شده بود در متن و حاشیه تصحیح کردند. سرانجام نسخه به چاپ‌خانه رفت و به چاپ آن اقدام شد.» (۲)

آن‌طور که از آخرین صفحه‌ی این کتاب می‌آید فردی به نام عباسقلی تفرشی البارزجانی این گزارش را از روی خط مؤلف در ذیقعد ۱۳۱۵ هـ.ق (مارس ۱۸۹۷ م.) کتابت کرده و استاد ستوده در ۱۱ شهریور ماه ۱۳۴۰ شمسی مقابله و تصحیح این نسخه را به اتمام رساند. (۳)

۱۷ سال پس از این تاریخ، سرانجام در سال ۱۳۶۷ گزارش محمدابراهیم کازرونی به اهتمام دکتر منوچهر ستوده با عنوان «تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس» توسط انتشارات جهانگیری در تهران به طبع رسید. دکتر ستوده در هنگام تصحیح این کتاب نتوانست تاریخ دقیق مسافرت کازرونی به جنوب و تألیف این کتاب را به دست آورد و صرفاً بر اساس مقدمه کازرونی که با صراحت از محمدشاه قاجار نام برده می‌نویسد: «محمد ابراهیم کازرونی در زمان محمد شاه (۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴) مأمور بررسی و مطالعه‌ی بنادر و جزایر خلیج فارس شد و این مجموعه را با سفری دور و دراز گرد آورد.» (۴) حتی روی جلد کتاب نیز صرفاً تاریخ پادشاهی محمدشاه قاجار آمده است.

سؤال این است که آیا بر اساس قراین درون متنی یا خارج از متن، می‌توان تاریخ دقیق مسافرت محمدابراهیم کازرونی به جنوب ایران و تألیف گزارش‌اش را مشخص کرد؟ من با نیت این کار شروع به مطالعه‌ی کامل این رساله کردم و با کمال شگفتی متوجه شدم که مؤلف چندین بار در متن کتاب‌اش به صراحت تاریخ سال مسافرت‌اش به جنوب ایران و حتی ماه آخرین نقطه‌ی بازدید شده را ذکر کرده است.

بر اساس داده‌های درون متنی، محمدابراهیم کازرونی در حوالی محرم سال ۱۲۵۳ هـ.ق (آوریل ۱۸۳۷ م.) سفرش را آغاز و در ربیع‌الآخر / ژوئیه همان سال آن را به پایان رسانده و در همان سال نیز کتاب‌اش را به اتمام رسانده است. اما دلایل درون مسکن این تاریخ‌ها: وی در مقدمه‌ی کتاب‌اش درباره‌ی سال مسافرت و تألیف کتاب‌اش می‌نویسد: «منت خدای را که از زمان هجرت سرور آخرالزمان الی زمانتا هذا که یک هزار و دویست و پنجاه و سه می‌گذرد...» (ص ۱۸)

در هنگام عبور از بندر گناوه و زهاب می‌نویسد: «به جهت بی‌انصافی عامل و عدم نزول رحمت الهی در این سنه‌ی ۱۲۵۳ و مالیات مأخوذی عامل آن بندر، یک هزار و دویست تومان است و تعدیات شیخ نصر به علاوه‌ی مالیات، منشأ خرابی آن شده». (ص ۴۴)

و سرانجام در وقت عبور از بندر کنگان و حوالی آن با اشاره به خشک‌سالی مرگ‌بار می‌نویسد: «قریه‌ای می‌باشد که آن را سنجه می‌خوانند. نیم میدان از دریا دور است و ربع فرسنگ تا بندر تنبک مسافت دارد و اهل آن قریه صاحب گاو و گوسفندان می‌باشند و از قریه‌ی بنک تا بندر تنبک در میان نخلستان و قطعه‌قطعه‌ی خارج از نخلستان که در دامنه‌ی کوه صبوی کنگان است محل زراعت و هذه السنه یک هزار و دویست و پنجاه و سه به علت قلت نزول رحمت، زراعت آن سامان متفاوت و در بعضی اماکن بد نبوده و در برخی کم‌پشت و ضعیف.» (ص ۷۵)

سفر محمدابراهیم کازرونی مقارن بود با آغاز لشکرکشی محمدشاه قاجار به هرات و محاصره‌ی آن شهر (۵) او در جزیره‌ی باسیدو بود که مطلع شد انگلیسی‌ها چند فروند کشتی جنگی خود را برای اشغال جزیره‌ی خارگ و حمله به بوشهر (ابوشهر) از این جزیره اعزام کرده‌اند. کازرونی که خود تجربه‌ی دیپلماتیک داشت، در این باره تحلیل‌جالبی درباره‌ی هدف انگلستان از دفاع از افغانستان و جلوگیری از محاصره و سقوط هرات توسط سپاه ایران نوشته که جالب و در خور توجه است. فشرده‌ای از آن را که اهمیت تاریخی دارد، می‌آوریم: «باسیدو که اکنون انگریز (انگلیس) در آن جا عمارت برپا داشته‌اند، معادل بیست و پنج خانه به رسم عمارات فرنگیان در باسیدو معمور است (...) و در هنگام ورود داعی دوام دولت جاوید عدت قاهره قرار، فرنگیان ساکنین باسیدو این بوده که همیشه از زمان توقف جزیره‌ی باسیدو تاکنون سه فرون جهاز در بحر عمان ساخلا و به جهت حفظ خلیج واقع در مقابل بر فارس و عمان و مدعی چاکری دولت ابدی عدت گردیده بودند، اکنون به ورود داعی در باسیدو چنین ظاهر گردید که هفت فرون جهاز از بمبئی وارد باسیدو و سه فرون جهازی که ساخلا و در باسیدو بود، برداشته به جهت تسخیر جزیره‌ی خارگ رفته‌اند. از آن جا که آدم درستی در باسیدو نبود، مسئله‌ی رفتن حضرات و رفتن آن‌ها به سمت ابوشهر در پرده‌ی خفا و روی نما نشده و چند نفر از اهل بهبهان که محرمین حضرات انگریز بودند، از روی ظن بعضی سخنان واهی اظهار می‌نمودند و آن چه داعی دوام دولت جاوید عدت قاهره از سابق که به سفارت کلکته مأمور شدیم و آن چه از کمون خاطر امنای دولت انگریز حالی گردید و حضرات از خر افتاده و به عوض خرما، معدن زر و سیم و الماس و شکر یافته‌اند، هندوستانی بی‌صاحب به تزویر و سر هم بندی در فساد و تلاقی که میان مردم هندوستان برپا کردند، اکنون نصف هندوستان می‌خورند و تشویق حضرات انگریز آن روزها که هنوز شوکتی از افغان مذکور می‌شد: حضرات رغبت تمام و خوف لا کلام از اهل خراسان و افغان داشتند، در سالی دویست هزار تومان پیش کش متقبل گردیدند که شاهنشاه رضوان آرام‌گاه معین آنها باشد، از شوکت افغان و آن چه از غقلای آن جا مسموع افتاد این است که حضرات انگریز باب هندوستان را قندهار می‌دانند و چنین یافته‌اند که هرگاه ملک قندهار را به حیطه‌ی تصرف در آورند و آن جا به نهجی که مکنون خاطر حضرات انگریز است قلعه و اسباب حصن حصینی فراهم آورند، هرگاه جمیع سلاطین روی زمین بخواهند که هندوستان را از تصرف آن‌ها بگیرند به زعم خود ممتنع شمرده‌اند و اکنون که شاهنشاه (...) عزیمت ملک خراسان که اصل ایران و ایران اصل است فرموده و موکبه‌ی فیروزی کوکب را به فتح و فیروزی معطوف به آن جانب فرموده‌اند و حضرات انگریز از اوضاع خود خبر دارند که (...) به محض جلوس بیگلربیگی از جانب جهان شهریار در کابل، اخواج هندوستان که معادل نه لک می‌شوند و اکنون به فوج انگریز محسوب‌اند چنان‌چه، ملک خراسان را در حیطه‌ی تصرف اولیای دولت جاوید عدت ملاحظه نموده‌اند، بر انگریز می‌شورند و به حیثیتی که هرگاه اخواج هندوستان به یک مرتبه آب دهان خود را به جانب انگریزان اندازند، سیل عظیم شده همه‌ی آن‌ها مستغرق دریای فنا می‌سازند. (...) فرنگیان (...) اکنون به تراویر ناقصه‌ی خود چنین دریافت نموده‌اند که هرگاه در بنادر مملکت فارس اغتشاش و آشوب نمایند، سبب اختلال شوکت ابدی عدت قاهره در خراسان می‌گردد.» (ص ۳۵-۱۳۳)

محمدابراهیم کازرونی سرانجام در ماه سرطان (تیر) برابر با ربیع‌الآخر ۱۲۵۳ / ژوئیه ۱۸۳۷ م، به میناب (آخرین محل مورد بازدید) رسید و سفر پر دور و درازش را در سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس به اتمام رساند: «... داعی دوام دولت جاوید عدت قاهره در وسط سرطان، در مینا و بود، جهازات از اطراف آمده خرما خریداری می‌نمودند و به اطراف می‌بردند...» (ص ۱۴۳)

به لحاظ تاریخی ذکر این موضوع بی‌فایده نیست که گزارش کازرونی اولین تکیه‌گذاری درباره‌ی بنادر و جزایر و سواحل جنوب ایران در عصر قاجار به شمار می‌رود و تازمانی که کتبا یا اثر قدیمی‌تری در این باب یافت نشود، باید آن را نخستین گزارش مفصل و مبسوط در این باره در عصر قاجار به شمار آورد.

۱- محمدابراهیم کازرونی: تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، با تصحیح و تحشیه‌ی دکتر منوچهر ستوده، جهانگیری، چاپ اول، تهران ۱۳۶۷ ص ۲۲-۲۱///۲- همان، صفحه ۷ (مقدمه مصحح) ۳///- همان ص ۱۴۹

۴- همان. صفحه ۶ (مقدمه مصحح) ۵///- برای بررسی محاصره‌ی هرات توسط محمدشاه قاجار نگ. ۳///- میرزا جعفرخان حقایق‌نگار خورموجی: نزهت الاخبار، به‌کوشش: سیدعلی آل داود، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰/// در کتاب زیر نیز یکی از افسران فرمانده جنگ هرات خاطرات خود را از این جنگ شرح داده است: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سعید میر محمد صادق (به‌کوشش): ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات ۱۲۶۶-۱۲۳۶ هجری قمری. انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و نشر تاریخ ایران، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵

از این نویسنده:

جنبش مطبوعاتی زنان بوشهر در عصر رضاشاه (سیدقاسم یاحسینی) :: شماره ۲۹۵

چالش عقل مؤنث با عقل مذکر - نگاهی به کتاب "عقل مذکر" :: شماره ۲۹۳

نگاهی به تاریخ مطبوعات در استان بوشهر :: شماره ۲۹۰

یعقوب لیث صفاری در اهرم و تنگستان :: شماره ویژه نوروز ۸۳

از مولوی تانیکلسون از فایز تا زنگوئی - بیاس سی سال فایز پژوهی استاد زنگوئی :: شماره نسخه‌های قبل از سال ۸۳